

تحلیل نقش مؤلفه‌های نهادی سرمایه اجتماعی در ارتقای بهره‌وری نیروی کار:

مطالعه موردی کشورهای در حال توسعه منتخب

علیرضا امینی^۱

علی اکبر خسروی نژاد^۲

سهیلا فضلعلی^۳

دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱۲ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۱۲

چکیده

در این مطالعه، اثر نهادها بر بهره‌وری نیروی کار در کشورهای در حال توسعه تحلیل شده است. بررسی رتبه شاخص کلی رقابت‌پذیری و مؤلفه نهادها بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که در بین ۱۳۹ کشور جهان در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰، ایران جایگاه مناسبی در هر دو زمینه ندارد. در بین ۲۴ کشور حوزه سند چشم انداز نیز ایران در این سال دارای جایگاه مناسبی نیست، ولی در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ تا حدی توانسته است اختلاف رتبه‌اش را با دو رقیب اصلی در این حوزه، یعنی کشورهای عربستان و ترکیه، بهبود ببخشد. به منظور شناسایی نقش نهادها در تفاوت بهره‌وری نیروی کار کشورها از رگرسیون داده‌های مقطعی استفاده شده که در کنار شاخص نهادها از شاخص‌های سرمایه انسانی و محیط اقتصاد کلان نیز استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد الگو نشانگر آن است که هر یک از شاخص‌های نهادها و سرمایه انسانی با بهره‌وری نیروی کار رابطه مثبت و معنادار دارند. بیشترین تأثیر را شاخص سرمایه انسانی بر بهره‌وری نیروی کار کشورهای در حال توسعه دارد و پس از آن محیط اقتصاد کلان و سپس نهادها بر افزایش بهره‌وری نیروی کار مؤثر هستند.

واژگان کلیدی: رقابت‌پذیری، نهادها، سرمایه اجتماعی، بهره‌وری نیروی کار

طبقه بندی JEL: O18, O15, R11, J24

۱. استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. Ali.Amini@iauctb.ac.ir

۲. استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. Ali.Khosravinejad@iauctb.ac.ir

۳. کارشناس ارشد اقتصاد (مسئول). s_Fazlali53@yahoo.com

مقدمه

با توجه به اهمیت نیروی انسانی و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی و احراز اهداف چشم انداز بیست ساله، پرداختن به موضوع بهبود بهره‌وری نیروی کار یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاد ایران است. به منظور تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله‌ی نظام و رسیدن به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فن آوری در منطقه، نیازمند دستیابی به رشد اقتصادی بیش از هشت درصد در سال است. از آن‌جا که تحقق چنین رشدی فقط از طریق افزایش بهره‌وری امکان پذیر است، لذا بدون شناخت شیوه‌های متنوع افزایش بهره‌وری متناسب با عوامل مختلف تولید و دگرگونی‌های اساسی در سازوکارهای اجرایی امکان پذیر نخواهد بود.

بهره‌وری طبق تعریف آژانس بهره‌وری اروپا، درجه استفاده مؤثر از هر یک از عوامل تولید است. افزایش بهره‌وری به معنای تولید بیشتر با مقادیر ثابت و معین از نهاده‌ها یا به دست آوردن همان سطح تولید با مقادیر کمتری از نهاده‌ها، یا افزایش تولید با نرخی بیشتر از نرخ افزایش نهاده‌هاست. بر اساس نظریات رشد درونزا، سرمایه انسانی، دانش فنی و سرمایه اجتماعی سه عامل مؤثر بر بهره‌وری هستند. حتی با در نظر گرفتن تفاوت سرمایه انسانی و دانش فنی کشورها، عواملی وجود دارند که سبب تمایز میزان بهره‌وری نیروی کار بین کشورها می‌شوند و این به دلیل تفاوت در میزان برخورداری کشورها از سطوح مختلف سرمایه اجتماعی است. این مسئله باعث تفاوت کارایی تولیدات گردیده و در نهایت کشورها عملکردهای متفاوتی خواهند داشت، که این امر میزان رقابت‌پذیری کشورها را نیز متفاوت می‌سازد. بر این اساس، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بهره‌وری نیروی کار، می‌تواند مستلزم فرضیه‌ی: "افزایش سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر بهره‌وری نیروی کار دارد"، باشد. برای آزمون فرضیه پیش‌گفته در مطالعه حاضر، سرمایه اجتماعی با رویکرد نهادی مد نظر است که کمتر در ایران مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است، نقطه قوت این مطالعه نسبت به مطالعات قبلی در این است که تمامی مؤلفه‌های شاخص نهادها را به صورت یکجا مورد بررسی قرار داده است ولی در مطالعات قبلی، مؤلفه‌های مربوط به شاخص نهادها به صورت موردی بررسی شده است.

در این مطالعه پس از مقدمه، مبانی نظری با توجه به نظریات رشد اقتصادی و با تأکید بر سرمایه اجتماعی را ملاحظه خواهید کرد. قسمت سوم مقاله به مروری بر مطالعات انجام شده در ایران و برخی از کشورهای منتخب جهان اختصاص یافته است. بررسی و مقایسه وضعیت نهادها (سرمایه اجتماعی) در ایران و سایر کشورهای جهان و کشورهای حوزه سند چشم انداز در قسمت چهارم و تصریح و برآورد مدل را در قسمت پنجم ملاحظه خواهید کرد. نهایتاً مقاله با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

۲- مبانی نظری

به منظور شناسایی دلایل تفاوت تولید سرانه نیروی کار (بهره‌وری نیروی کار) بین کشورها به بررسی نظریات رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. بنابراین هدف از بررسی نظریات رشد و پرداختن به عوامل مؤثر بر بهره‌وری این است که ابتدا دلایل اختلاف بهره‌وری بین کشورها را تبیین کرده، سپس بررسی شود که آیا امکان افزایش بهره وری کشورهای فقیر و کم کردن فاصله آنها با کشورهای ثروتمند وجود دارد یا خیر؟ بنابراین ابتدا به بررسی نظریه رشد برونزا در قالب الگوی رشد اقتصادی سولو پرداخته می‌شود و سپس به نظریات رشد درونزا و نظریه رشد مبتنی بر سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود.

- الگوی رشد برونزا (الگوی رشد اقتصادی سولو)

الگوی رشد سولو یک الگوی پایه و زمینه ساز برای الگوهای پیچیده‌تر و مبتنی بر فروض زیر است: اولاً فرض می‌شود که تولید تابعی است از سرمایه فیزیکی (K)، نیروی کار (L) و کارایی نیروی کار^۱ (A) و بصورت زیر تعریف می‌شود:

$$Y_t = F [K(t), A(t), L(t)]$$

در رابطه فوق به A.L نیروی کار مؤثر گفته می‌شود. اگر از فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس استفاده کنیم، می‌توانیم طرفین رابطه بالا را به A.L تقسیم نماییم و در نتیجه داریم:

$$\frac{y(t)}{A(t).L(t)} = F \left(\frac{Y(t)}{A(t).L(t)}, 1 \right) \rightarrow y(t) = f(k(t))$$

۱. در ادبیات بهره وری به A بهره وری کل عوامل (TFP) گفته می‌شود.

در این الگو:

$$k(t) = \left(\frac{K(t)}{A(t).L(t)} \right)$$

سرانه مؤثر

$$y(t) = \left(\frac{Y(t)}{A(t).L(t)} \right)$$

در واقع همان تولید سرانه مؤثر می‌باشند.

اکنون بر اساس فرمول تولید سرانه مؤثر، می‌توان رابطه $\frac{Y}{L} = A(t).y(t)$ را به دست آورد

که این همان بهره‌وری نیروی کار است و می‌توان آن را بصورت $\frac{Y}{L} = A.f(k)$ هم نمایش

داد. بنابراین سولو معتقد است که بهره‌وری نیروی کار به دو عامل بهره‌وری کل عوامل (A) و سرمایه فیزیکی سرانه مؤثر بستگی دارد. او بهره‌وری کل عوامل را برونزا فرض کرده و آن را به عوامل خارج از الگو ربط می‌دهد. طبق نظریات رشد درونزا، رشد بهره‌وری کل عوامل می‌تواند ناشی از تغییرات وجود دانش، سرمایه انسانی و یا سرمایه اجتماعی باشد. هدف مقاله حاضر، بررسی نظریات رشد مبتنی بر سرمایه اجتماعی است که در ادامه ارائه شده است.

نظریه رشد مبتنی بر سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از یکسو برای جامعه‌شناسان و سیاست‌شناسان جاذبه دارد، چرا که در کنار سرمایه فیزیکی و طبیعی و سرمایه انسانی قرار می‌گیرد که به نظر می‌رسد دقت نظری بهتری دارند. برای اقتصاددانان دگراندیش که نظریه متعارف اقتصادی را به دلیل غفلت محض از ساخت‌های اجتماعی و سیاسی و تقلیل‌گرایی بیش از اندازه مورد نقد قرار می‌دهند، سرمایه اجتماعی مفهومی است با ظرفیت نظری قابل توجه که اجازه می‌دهد با استفاده از آن صورت‌بندی مناسب‌تری از علل تحولات اقتصادی ارائه شود.

در حوزه دانش اقتصاد، ظهور دوباره رویکرد های نهادگرایی و توسعه (در قالب توسعه انسانی) و اشاعه قابل توجه آنها طی سالهای اخیر که هم خود تحت تاثیر گرایش به مطالعات

بین رشته ای و چند بعدی بوده و هم بر این گرایش تاثیر گذاشته اند، نقش مهمی در توجه به مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب داشته است. سرمایه اجتماعی در واقع نام دیگری برای نهادهای غیررسمی و غیر بازاری مورد تاکید نهادگرایان جدید، و عادات و نرم های اجتماعی مورد تاکید نهادگرایان قدیم است. مفهوم و نظریه "قابلیت" مورد تاکید آمارتیا سن برنده نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۷ و تاکید وی بر نقش مهم عوامل غیر پولی در ارتقای توانایی های افراد برای انجام امور مورد نظر خود، مسیر جدیدی را به روی مطالعاتی گشوده که بر توجه بیشتر به شبکه های اجتماعی و نظامهای همیاری در برنامه های توسعه از جمله فقر زدایی تاکید دارند. همینطور ظهور نظریه "اقتصاد اطلاعات" و مفاهیم همراه با آن مانند "تقارن اطلاعات" و "مخاطرات اخلاقی"، به رهبری جوزف استیگلیتز و جرج آکرلوف، برندگان نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱، بر شکسته شدن سلطه اقتصاد تقلیل گرای حاکم و غالب و توجه به نقش شبکه های اجتماعی در تامین دانش و اطلاعات برای اعضا کمک فراوانی کرده است.

شکست برنامه های تعدیل و تثبیت ساختاری و یا رویکرد موسوم به "اجماع واشنگتنی" در بسیاری از کشورها از جمله روسیه و برخی از کشورهای شرق اروپا، آفریقا، آمریکای لاتین و جنوب آسیا، اقتصاددانانی چون جوزف استیگلیتز (برای نمونه: ۱۹۹۹ و ۱۹۹۸) و جامعه شناسان توسعه ای چون پیتر ایوانز (۱۳۸۱: ۱۹۹۵؛ ۱۹۹۶) را به این جمع بندی رساند که بدون وجود ساخت قدرت و حکمرانی مناسب و سرمایه اجتماعی قوی نمی توان بنای اقتصادی قوی را پی گذاشت (دینی، ۱۳۸۵).

با توجه به دیدگاه هال و جونز، بیش از ۵۰ درصد تفاوت بهره وری نیروی کار کشورها به دلیل تفاوت دانش و سرمایه اجتماعی است که با توجه به امکان انتقال دانش فنی بین کشورها، نقش سرمایه اجتماعی در تفاوت بهره وری نیروی کار کشورها بیشتر است. مقصود هال و جونز از سرمایه اجتماعی، نهادها یا سیاست هایی است که باعث تشویق سرمایه گذاری و تولید به جای مصرف و انحراف منابع می شود. در اینجا دو تمایز مهم مورد تاکید قرار گرفته است. اول تمایز بین مصرف و سرمایه گذاری یعنی استفاده از منابع برای ایجاد سرمایه فیزیکی و انسانی، تولید را در آینده افزایش می دهد. دوم تمایز بین تولید و انحراف از تولید است. تولید اشاره به فعالیت های دارد که کل محصول را در اقتصاد افزایش می دهد و

انحراف منابع اشاره به فعالیت‌هایی دارد که باعث تخصیص مجدد محصول تولید شده می‌شود. به عبارت دیگر، انحراف منابع یعنی انحراف منابع به سمت فعالیت‌های غیر مولد و رانت‌جویانه مانند جرم و جنایت، زد و بند برای فرار از مالیات و طرح دعاوی غیر واقعی. حتی در کشورهای پیشرفته نیز بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع به رانت‌جویی اختصاص داده می‌شود و به نظر پذیرفتنی می‌آید اگر فرض کنیم که بخشی از منابع که به رانت‌جویی اختصاص می‌یابد در کشورهای کمتر توسعه یافته بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. اگر این فرض درست باشد، تفاوت در رانت‌جویی ممکن است منبع مهمی برای تفاوت در درآمدها و بهره‌وری نیروی کار در کشورهای مختلف باشد. بنابراین میزان رانت‌جویی در جهان به طور کلی، ممکن است یک عامل مهم در تعیین رشد جهانی باشد. با نگرش به موارد فوق می‌توان انتظار داشت ارتقای سرمایه اجتماعی از طریق کاهش هزینه مبادلاتی، حفظ حقوق مالکیت و جنبه‌های مختلف دیگر از جمله انباشت سرمایه انسانی، توسعه مالی و انباشت سرمایه فیزیکی، افزایش نوآوری و خلاقیت، افزایش کارایی عملکرد دولت و سیاست‌های اعمال شده از سوی آن بر کارایی بخش‌ها و نهادهای مختلف جامعه تأثیر شگرفی داشته باشد. لذا دستیابی به سرمایه اجتماعی مناسب می‌تواند اقتصاد را به افزایش درآمد و حتی توزیع مطلوبتر آن رهنمون سازد که این مهم مستلزم بهره‌برداری بهینه از امکانات بالقوه با هدف رسیدن به رشد اقتصادی بیشتر می‌باشد. حال و چون بحث می‌کنند که آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که زیر ساخت اجتماعی تا حد زیادی می‌تواند تفاوت درآمدی بین کشورها را توضیح دهد و اثر معناداری بر تولید سرانه هر کارگر ($\frac{Y}{L}$) و یا بهره‌وری نیروی کار دارد. اما اصلاح آنها برای اشتباه اندازه‌گیری و همبستگی زیر ساخت اجتماعی با متغیرهای حذف شده غیر کامل است، لذا اتکا به شواهد موجود منطقی نمی‌باشد. پس از شناسایی جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی به چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی می‌پردازیم. آنچه مسلم است سرمایه اجتماعی دارای تأثیرات و کارکردهای متفاوتی است که می‌تواند به صورت مستقیم و یا حتی غیر مستقیم، متغیرهای کلان اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از تأثیرات سرمایه اجتماعی مربوط به افزایش اعتماد مردم به یکدیگر و جلوگیری از رفتارهای رانت‌جویانه است که موجب افزایش رغبت برای سرمایه‌گذاری و سرانجام رشد اقتصادی بیشتر را در پی خواهد داشت. اطمینان افراد مبتکر

و مخترع در خصوص حفظ حقوق مالکیت در زمینه جلوگیری از ربوده شدن آثارشان نیز می تواند باعث ترغیب این افراد برای افزایش نوآوری و ابداعات و نهایتاً افزایش بهره وری کل عوامل و رشد اقتصادی گردد. یکی از جنبه های غیر مستقیم اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی، تأثیر آن بر انباشت سرمایه انسانی است. به طوریکه تعاملات و ارتباطات فرد در درون خانواده و یا جامعه در صورت وجود یک مکانیسم کارا از سرمایه اجتماعی می تواند زمینه را برای گرایش افراد به تحصیل و انباشت سرمایه انسانی فراهم آورد. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی می تواند از طریق افزایش اعتماد مردم به نهادها و یا دولت نیز زمینه افزایش کارایی و رشد را فراهم نماید، به طوریکه با افزایش اعتماد مردم به نهادها، دولت و سیاست های آن، با حمایت خود از دولت از طریق شرکت در انتخابات و یا پرداخت مالیات باعث افزایش کارایی دولت و در نتیجه نظام اقتصادی می گردند که این خود می تواند در افزایش رشد اقتصادی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. به جز موارد ذکر شده فوق، سرمایه اجتماعی می تواند از طریق کانالهای مختلفی بر رشد اقتصادی تأثیر گذار باشد که برخی از این موارد عبارتند از:

- اثر سرمایه اجتماعی بر چگونگی الگوی مصرف جامعه
 - اثر سرمایه اجتماعی جهت جلوگیری از رانت اطلاعاتی به منظور توزیع عادلانه درآمد
 - اثر سرمایه اجتماعی بر گسترش و توسعه بازارهای مالی
- همانطوری که پیشتر مطرح شد، زیر ساخت اجتماعی به عنوان نهادها و سیاست هایی که باعث افزایش تولید و سرمایه گذاری و جلوگیری از انحراف منابع در مقابل انحراف از تولید و مصرف می شوند، تعریف شد. اما این یک تعریف بسیار گسترده است و در واقع نمی توان جنبه ای از نهادها یا سیاست ها را یافت که بر درآمد کشور اثر نمی گذارند. در نتیجه با این حکم که تفاوتها در زیر ساخت اجتماعی از نظر تفاوتها در درآمد بین کشورها اهمیت بسیار دارد، نمی توان پیش بینی دقیقی درباره اینکه با کدامیک از ویژگی های کشور با درآمد بالاتر ارتباط پیدا می کند، ارائه داد. به همین ترتیب، هیچ راهکاری به سیاست گزارانی که خواهان افزایش استاندارد زندگی مردم هستند نیز ارائه نمی دهد. برای رفع این مشکل، جامع ترین تعریف و طبقه بندی از مولفه های سرمایه اجتماعی را مجمع جهانی اقتصاد در گزارش رقابت پذیری جهانی ارائه کرده است که در ادامه به بررسی آن می پردازیم.

دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد در خصوص سرمایه اجتماعی و نهادها

مجمع جهانی اقتصاد، رقابت‌پذیری را به‌عنوان مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی که سطح بهره‌وری یک کشور را معین می‌کند، تعریف کرده است و ضمناً معتقد است که سطح بهره‌وری نیز به نوبه خود مجموعه‌ای از سطوح عوامل رشد روز افزون را که از یک اقتصاد به‌دست می‌آید، تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، اقتصادهای رقابت‌پذیرتر تمایل دارند بتوانند سطح بالاتر درآمد را برای شهروندانشان ایجاد کنند.

بر اساس دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد، محیط نهادی یک کشور، نشان‌دهنده چهارچوبی است که افراد، شرکت‌ها و دولت‌ها برای ایجاد درآمد و ثروت در داخل آن با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و در میزان رشد و رقابت‌پذیری یک کشور اهمیت بسیاری دارد و دارای نقش کلیدی در شیوه‌ی توزیع مزایا در یک جامعه و تقبل هزینه‌های پیاده‌سازی خط مشی‌ها و راهبردهای توسعه می‌باشد و تأثیر بسزایی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و سازماندهی تولید در آن کشور می‌گذارد. به‌عنوان مثال، مالکین زمین، سهامداران حقوقی و صاحبان اموال حقیقی قادر نیستند در توسعه و پیشرفت اموالشان سرمایه‌گذاری کنند، اگر حقانیت آن‌ها به‌عنوان مالک حمایت نشود. نقش نهادها ماورای چهار چوب قانونی است. توجه دولت به سمت بازارها و آزادی بازارها و کارآمدی عملکردشان خیلی مهم است. رعایت تشریفات اداری افراطی، رشوه و فساد اداری، تقلب در رسیدگی به قرار دادهای عمومی، فقدان شفافیت و اعتماد و عدم استقلال سیاسی سیستم قضایی که هزینه‌های اقتصادی مهمی را بر کسب و کار اعمال کرده و مراحل توسعه اقتصادی را کند می‌کند. به علاوه مدیریت صحیح دارائی‌های عمومی در تأمین اعتماد در فضای کسب و کار ملی، هنوز دچار بحران است. هر چند مبانی نظری اقتصادی، بیشتر بر نهادهای عمومی تأکید می‌کنند، ولی نهادهای خصوصی هم نقش مهمی در فرآیند خلق ثروت ایفا می‌کنند. در واقع حرکت اقتصاد به سمت شکوفایی زمانی تسریع می‌شود که کسب و کارهای فعال در آن در تعامل با دولت، سایر شرکت‌ها و عموم به‌طور صادقانه و با رعایت اخلاق فعالیت می‌کنند.

۳- مروری بر مطالعات تجربی

– مطالعات صورت گرفته در ایران

امینی و فرهادی کیا (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی، فضای رقابتی و بهره‌وری کل عوامل پرداخته‌اند. در این مطالعه تعریف هال و جونز از سرمایه اجتماعی که دارای رویکرد اقتصادی است مورد استفاده قرار گرفته است. توسعه فضای رقابتی انگیزه انباشت سرمایه انسانی و نوآوری را بیشتر کرده و از این طریق نیز به بهبود بهره‌وری کمک می‌کند. به عبارت دیگر، شرط لازم برای ارتقای بهره‌وری، توسعه فضای رقابتی در اقتصاد است. کاهش درجه باز بودن اقتصاد، تعرفه‌های بالا، افزایش مداخله دولت در اقتصاد، تورم بالا، فضای نامناسب کسب و کار از جمله دلایل کاهش سرمایه اجتماعی بوده‌اند.

کشاورز (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین شاخص رقابت‌پذیری و بهره‌وری نیروی کار پرداخته است. او بیان می‌کند که شاخص رقابت‌پذیری ۵۵ درصد تفاوت بهره‌وری نیروی کار کشورها را بیان می‌کند و اگر شاخص رقابت‌پذیری به سه دسته نیازهای پایه، عوامل موثر بر کارایی و عوامل موثر بر نوآوری تقسیم شود، در بین ۳۰ کشور هم رده در مرحله اقتصادی گذر از ۱ به ۲ به این نتیجه رسیده است که نیازهای پایه از جمله نهادها بیشترین تاثیر را بر روی بهره‌وری این‌گونه کشورها دارد و این مسأله در کشور ما ایران نیز صادق است.

جعفری صمیمی و اختیاری (۱۳۸۸) به بررسی رابطه رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تکیه بر ایران پرداخته‌اند. در دوره مورد بررسی (۱۹۹۷-۲۰۰۵) نتایج برآورد مدل از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که متغیر رشد جمعیت، رشد نیروی کار، رشد سرمایه، سهم دولت در اقتصاد، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی و امنیت اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته، در حالی که متغیر نرخ تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ایران در این دوره از متوسط کشورهای عضو کنفرانس اسلامی بالاتر بوده است. از سوی دیگر، شاخص امنیت اقتصادی

ایران در این دوره از متوسط شاخص امنیت اقتصادی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی کمتر بوده که نشان‌دهنده سطح پایین امنیت اقتصادی در ایران است. مکرری (۱۳۸۹) عوامل موثر در بهره‌وری کل عوامل (TFP) در اقتصاد ایران را با تاکید بر مولفه‌های اقتصادی سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. مولفه‌های اقتصادی سرمایه اجتماعی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از: شکاف بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به‌عنوان جانشین انحراف منابع مالی، اندازه دولت، درجه باز بودن اقتصاد و نرخ تورم. علاوه بر مولفه‌های مذکور، تاثیر متوسط سال‌های تحصیل شاغلان به‌عنوان جانشین سرمایه انسانی بر بهره‌وری کل عوامل نیز مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج برآورد الگو با استفاده از داده‌های آماری سری زمانی سال‌های ۸۶-۱۳۵۳ به روش مدل اتورگرسیو با وقفه^۱ (ARDL) نشان داده است که در بلندمدت سرمایه انسانی و درجه باز بودن اقتصاد بر بهره‌وری کل عوامل تاثیر مثبت و معناداری دارند و انحراف منابع مالی، اندازه دولت و نرخ تورم بر بهره‌وری کل عوامل تاثیر منفی و معنی‌داری دارند. در این دوره ملاحظه شد به‌رغم افزایش سرمایه انسانی و فناوری، بهره‌وری روندی کاهشی داشته است که مهم‌ترین دلیل آن، کاهش سرمایه اجتماعی بوده است.

– مطالعات تجربی صورت گرفته در سایر کشورهای جهان

داودی و تانزی (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «رشوه، سرمایه‌گذاری عمومی و رشد» مطرح می‌کنند که رشوه و فساد مالی، تصمیماتی را که در ارتباط با سرمایه‌گذاری عمومی گرفته می‌شود تحت تاثیر قرار داده و نتایج پروژه‌های عمومی سرمایه‌گذاری را بد جلوه می‌دهد. این عملکرد نامطلوب، همراه با بازرسی ضعیف‌تر و نظارت کمتر بر نهادها، شدیدتر می‌شود. وقتی کارمزدی بابت برنده شدن در یک قرارداد سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌های تجاری به مقامات رسمی عمومی پرداخته می‌شود، باعث می‌شود که یک مازاد هزینه برای پروژه‌های بزرگ ایجاد شود و نتایجی که دربر دارد شامل ۱- افزایش در سهم سرمایه‌گذاری عمومی در بودجه کل کشور ۲- کاهش میانگین بهره‌وری سرمایه‌گذاری عمومی به دلیل فشارها و محدودیت‌های بودجه‌ای و دیگر ملاحظات ۳- کاهش در دیگر مقوله‌های مخارج

1. Autoregressive Distributed Log

عمومی شامل مخارج نگهداری و تعمیرات و بهره‌برداری و یا حتی کاهش مخارجی که به تحصيلات و بهداشت اختصاص می‌یابد. کاهش در هزینه‌های بهره‌برداری و تعمیرات نتیجه‌اش چیزی جز زوال و بدتر شدن زیر ساخت‌ها و ایجاد نرخ رشد پایین‌تر نیست. دلپاین (۲۰۰۶) مطرح می‌کند که جهت رسیدن به رقابت‌پذیری و رشد سریع باید در مورد نهادها و عملکرد اقتصادی با تاکید بر تجزیه و تحلیل خط مشی‌های کاربردی تحقیق کرد. او سعی دارد مفهوم اقتصاد سیاسی و ادبیات رشد را مشخص سازد. همچنین فرضیه کلیدی مبتنی بر افزایش حوزه حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه اقتصادی را ارزیابی می‌کند. هلپمن^۱ بیان می‌کند که تحقیقات آینده ناگزیر است کانالهای ورود به نهادها را که اثر گذار بر رشد هستند و همچنین روشهایی که در آن نهادهاى مختلف بر هم تاثیر می‌گذارند را مشخص کند. بردهان^۲ معتقد است که مطالعات کلان بین‌الملیتی (کشوری) همیشه بصیرت و اطلاع خوبی برای دستیابی به توسعه‌یافتگی به ما نمی‌دهند. مطالعات تجربی آینده در مورد حکمرانی و توسعه‌یافتگی باید بر اساس فرضیه‌های آزمایش شده و اندازه‌گیری شده که معمولاً توسط اقتصاد سیاسی رشد ایجاد شده‌اند، باشد و مطالعات بین‌کشوری هم باید بر اساس تجزیه و تحلیل‌های بدست آمده از رشد اقتصادی باشد. قاعداً، این برنامه تحقیقی باید تاکید بیشتری بر اجزای اقتصادی، سیاست و تحقیقات اقتصادی سیاسی داشته باشد. در نهایت، تنها راه پیشروی در حل معمای توسعه نهادی و رشد، بر اساس یک مذاکره سودمند بین نظریه و تجربه و اقتصاددانان و دانشمندان سیاست، امکان‌پذیر می‌باشد.

مشتاق حسین خان (۲۰۰۸) به تبیین علل و زمینه‌های فساد در کشورهای در حال توسعه پرداخته و تاثیر برنامه‌ها و شاخصهای حکمرانی خوب بر سیاست‌های مبارزه با فساد در این کشورها را مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است، فساد برای بیشتر کشورهای در حال توسعه در بسیاری از زمینه‌ها، هزینه‌های هنگفتی در بردارد. برخی از این زمینه‌ها عبارتند از: بی‌ثمر شدن طرح‌های توسعه، تغییر جهت برنامه‌ها و منابعی که می‌توان آن‌ها را به طور مفید و ثمربخش سرمایه‌گذاری کرد، لذا برای تسريع تغييرات اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه باید ظرفیت‌های مهم حکمرانی برای هر کشور را به طور جداگانه

1. Helpman(2004)

2. Bardhan(2005)

تعیین نمود. بنابراین نقش نهادها در توسعه اقتصادی و کاهش فقر در کشورهای درحال توسعه بسیار با اهمیت است.

آلرپ، اولسون ویاناگیزاوا (۲۰۰۹) بررسی می‌کنند آیا سرمایه اجتماعی جانشین و یا یک مکمل نهادهای رسمی برای دستیابی به رشد اقتصادی است؟ شواهد کشورهای متفاوت نشان می‌دهد که اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی مانند اثر آن بر نرخ سرمایه‌گذاری است که به صورت خطی است و وابسته به کیفیت نهادهای رسمی است. خصوصاً این مطالعه نشان می‌دهد اگر نهادهای رسمی ضعیف باشند، سرمایه اجتماعی بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند ولی اگر نهادها قوی باشند، سرمایه اجتماعی موضوعیت کمتری دارد. نتایج این مطالعه بیان می‌کند که تلاش‌های حاضر برای ایجاد سرمایه اجتماعی در کشورهای فقیر و ضعیف که نهادهای ضعیف و پتانسیل رشد بالایی هم دارند، به ثمر می‌نشیند و موفقیت آمیز است.

تورنر (۲۰۱۱) مطرح می‌کند که ایجاد حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه جهت دستیابی به رشد اقتصادی ضروری است. بر این اساس، برای تعیین اثر حکمرانی خوب بر حفظ رشد اقتصادی، متغیرهای مرتبط با حکمرانی خوب انتخاب شده است. این تحقیق در مورد کشورهای صحرای آفریقا که از لحاظ شرایط سیاسی و اقتصادی و از جنبه سیاست‌های کلان اقتصادی متفاوت هستند، صورت پذیرفته است. در این کشورها موفقیت دولت یک عامل کلیدی در موفقیت آنها برای دستیابی به رشد می‌باشد. برای بررسی و مشخص ساختن عوامل موثر بر رشد GDP در این کشورها، اثر تعدادی از متغیرها که شامل عوامل سیاسی و اقتصادی هستند بر GDP بررسی شده است. اطلاعات مربوط به متغیرها از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول گرفته شده است. برای آزمون اثر هر یک از متغیرهای مستقل بر رشد اقتصادی، یک مدل تجربی به صورت زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

$$GDPGROWTH = \beta_0 + \beta_1 LNETFDI + \beta_2 LENROLL + \beta_3 MILEXP + \beta_4 GOVEXP + \beta_5 LINFLA + \beta_6 GOVEFF + \beta_7 PSNV + \beta_8 CORRUP + \varepsilon$$

در این مدل GDPGROWTH رشد اقتصادی و اولین متغیر مورد استفاده یعنی LNETFDI نوسان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دلار آمریکا است. دومین متغیر یعنی LENROLL درصد نرخ ثبت نام در مقطع ابتدائی و متغیر MILEXP درصدی از GDP

است که صرف مخارج نظامی شده است. چهارمین متغیر GOVEXP، هزینه های مصرفی نهایی عمومی دولتی است که به صورت درصدی از GDP می باشد. پنجمین متغیر، LINFLA درصد تغییرات تورم سالانه در قیمت های مصرف کننده است. ششمین متغیر یعنی GOVEFF شاخص اثربخشی (کارآمدی) دولت، هفتمین متغیر یعنی PSNV توانایی مقامات دولتی در کنترل جرم و خشونت و مقابله با تروریسم و هشتمین متغیر یعنی CORRUP کنترل فساد می باشد.

نتیجه بدست آمده از این مطالعه بیانگر آن است که شاخص های هزینه های مصرفی دولتی، کنترل فساد و شاخص کارآمدی دولت بر رشد اقتصادی مؤثرترند. بقیه متغیرها به جزء متغیر پنجم (یعنی درصد تغییرات تورم سالانه بر حسب قیمت های مصرف کننده) دارای رابطه مثبت و مستقیم با رشد GDP هستند ولی دارای R2 پایین تری می باشند. در نتیجه، حکمرانی مؤثر و پابرجا در کشورهای در حال توسعه بسیار تعیین کننده است.

۴- داده های آماری

جامعه آماری شامل آن دسته از کشورهای در حال توسعه می باشد که از نظر اقتصادی وضعیتی مشابه ایران دارند. بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد در ۲۰۱۱-۲۰۱۰، ایران بر اساس دو معیار درآمد سرانه و سهم صادرات صنایع کارخانه ای از کل صادرات کالایی در مرحله گذار از ۱ به ۲ قرار دارد. با توجه به تعداد کم کشورهای در حال گذار از مرحله ۱ به ۲ و کمبود آمارهای لازم برای محاسبه شاخص بهره وری نیروی کار و یا متغیرهای تاثیرگذار بر آن، از کشورهایی که در مرحله ۱ و ۲ قرار دارند نیز استفاده شده و کشورهایی که فاقد اطلاعات کافی هستند، حذف گردیده اند. بنابراین، جامعه آماری شامل ۷۴ کشور است.

اولین شاخص مورد محاسبه، بهره وری نیروی کار است که از تقسیم GDP یعنی تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (PPP) به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ بر تعداد شاغلان بدست می آید:

$$Lp = \frac{GDP}{L}$$

که در آن Lp بهره‌وری نیروی کار و L تعداد کل شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در هر کشور در سال ۲۰۰۹ است که از آمارهای ILO^۱ (سازمان بین‌المللی کار) جمع آوری شده است. در ضمن، GDP تولید ناخالص داخلی هر کشور بر حسب برابری قدرت خرید به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ است که از آمارهای WDI^۲ (مجموعه شاخص‌های توسعه یافتگی بانک جهانی) بدست آمده است. اطلاعات آماری سایر متغیرها مانند شاخص نهادها و سرمایه انسانی از گزارش رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد^۳ جمع آوری شده است. گفتنی است، برای متغیر سرمایه انسانی از شاخص آموزش عالی و حرفه ای استفاده شده است.

۵- مقایسه تطبیقی وضعیت نهادها و سرمایه اجتماعی در ایران و کشورهای منتخب

جهان

برای این منظور ابتدا به بررسی وضعیت ایران در زمینه شاخص رقابت‌پذیری و هر یک از مؤلفه‌های آن در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ پرداخته و با کشورهای منتخب جهان و همچنین کشورهای حوزه سند چشم‌انداز مقایسه می‌کنیم. در جدول (۱) رتبه ایران از نظر شاخص رقابت‌پذیری بین ۱۳۹ کشور جهان در سال ۲۰۱۰ و بین ۱۴۱ کشور در سال ۲۰۱۱ ذکر شده است. در ضمن، نمره شاخص از عدد ۷ سنجیده می‌شود و هرچه قدر نمره به عدد ۷ نزدیکتر باشد وضعیت بهتر را نشان می‌دهد. نکته دیگر آن‌که، بر اساس روش شناسی مجمع جهانی اقتصاد، رتبه‌های مساویا کمتر از ۵۰ نشان دهنده مزیت رقابتی و نمره‌های بالای ۵۰ نشان دهنده عدم مزیت رقابتی در شاخص مورد نظر است.

-
1. International Labor Organization
 2. World Bank Collection of development indicators.
 3. The Report Of World Economic Forume

جدول ۱- رتبه ایران بین کشورهای جهان بر اساس شاخص رقابت پذیری جهانی در سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱

ردیف	مؤلفه های شاخص رقابت پذیری	رتبه ایران در سال ۲۰۱۰	نمره ایران در سال ۲۰۱۰	رتبه ایران در سال ۲۰۱۱	نمره ایران در سال ۲۰۱۲
	شاخص کلی رقابت پذیری	۶۹	۴/۱۴	۶۲	۴/۲۶
۱	نهادهای و مؤسسات	۸۲	۳/۷۶	۷۲	۳/۷۶
۲	زیر ساخت ها	۷۴	۳/۷۵	۶۷	۳/۹۶
۳	محیط اقتصاد کلان	۴۵	۴/۹۶	۲۷	۵/۵۶
۴	سلامتی و آموزش اولیه	۵۴	۵/۸۹	۵۰	۵/۹۱
۵	آموزش عالی و حرفه ای	۸۷	۳/۸۰	۸۹	۳/۸۶
۶	کارایی بازار کالا	۹۸	۳/۸۵	۱۰۳	۳/۹۱
۷	کارایی بازار کار	۱۳۵	۳/۳۷	۱۳۹	۳/۳۴
۸	توسعه بازارهای مالی	۱۲۰	۳/۲۹	۱۲۳	۳/۲۸
۹	آمادگی فناوریانه	۹۶	۳/۱۹	۱۰۴	۳/۰۹
۱۰	اندازه بازار	۲۰	۵/۰۹	۲۱	۵/۰۹
۱۱	پیشرفتگی بنگاه ها	۸۲	۳/۵۶	۹۲	۳/۵۹
۱۲	نوآوری	۶۶	۳/۱۱	۷۰	۳/۵۰

بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰ رتبه ایران بر اساس شاخص کلی رقابت پذیری بین ۱۳۹ کشور جهان ۶۹ و نمره آن از ۷ برابر ۴/۱۴ می باشد که این نشان می دهد ایران در زمینه شاخص کلی رقابت پذیری جایگاه خوبی در جهان ندارد. ایران تنها در دو شاخص محیط اقتصاد کلان و اندازه بازار دارای مزیت رقابتی است و در بقیه موارد دارای عدم مزیت رقابتی است.

رتبه ایران در بین ۲۴ کشور حوزه سند چشم انداز طبق جدول (۲) در سال ۲۰۱۰ برابر ۱۰ و در سال ۲۰۱۱ برابر ۹ است. کشورهای ترکیه و عربستان به عنوان رقبای اصلی ایران در منطقه در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ هر کدام به ترتیب با رتبه های ۸ و ۲ قبل از ایران قرار دارند. بنابراین ایران در بین کشورهای حوزه سند چشم انداز نیز جایگاه نامناسبی دارد و

برای آنکه به جایگاه مناسب در این زمینه برسد، ضروری است که برنامه‌ای برای اصلاحات در این زمینه داشته باشد.

جدول ۲- رتبه بندی کشورهای حوزه سند چشم‌انداز بر اساس شاخص‌های رقابت‌پذیری

2011 - 2012		2010 - 2011		کشورهای آسیای جنوب غربی	ردیف
رتبه بین ۲۰ کشور سند چشم‌انداز	رتبه بین ۱۴۱ کشور جهان	رتبه بین ۱۹ کشور سند چشم‌انداز	رتبه بین ۱۳۹ کشور جهان		
۷	۵۵	۷	۵۷	آذربایجان	۱
۱۰	۷۱	۹	۶۵	اردن	۲
۱۴	۹۲	۱۶	۹۸	ارمنستان	۳
-	-	-	-	ازبکستان	۴
-	-	-	-	افغانستان	۵
۳	۲۷	۳	۲۵	امارات متحده عربی	۶
۹	۶۲	۱۰	۶۹	ایران	۷
۶	۳۷	۶	۳۷	بحرین	۸
۱۸	۱۱۸	۱۹	۱۲۳	پاکستان	۹
۱۷	۱۰۵	۱۷	۱۱۶	تاجیکستان	۱۰
-	-	-	-	ترکمنستان	۱۱
۸	۵۹	۸	۶۱	ترکیه	۱۲
۱۶	۹۸	۱۵	۹۷	سوریه	۱۳
-	-	-	-	عراق	۱۴
۲	۱۷	۲	۲۱	عربستان	۱۵
۴	۳۲	۴	۳۴	عمان	۱۶
۱۹	۱۲۶	۱۸	۱۲۱	قرقیزستان	۱۷
۱۱	۷۲	۱۱	۷۲	قزاقستان	۱۸
۱	۱۴	۱	۱۷	قطر	۱۹
۵	۳۴	۵	۳۵	کویت	۲۰
۱۲	۸۸	۱۴	۹۳	گرجستان	۲۱
۱۳	۸۹	۱۳	۹۲	لبنان	۲۲
۱۵	۹۴	۱۲	۸۱	مصر	۲۳
۲۰	۱۳۸	-	-	یمن	۲۴

در ادامه تغییرات رتبه ایران در فاصله سالهای ۲۰۱۰-۲۰۱۱ مورد بررسی قرار گرفته است. همانطوری که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، در این دوره، رتبه شاخص کلی رقابت‌پذیری ایران بین کشورهای جهان از ۶۹ به ۶۲ و نمره‌اش در این زمینه از ۳/۷۴ به ۳/۷۹ بهبود یافته است و از آنجایی که ترکیه نمره و رتبه‌اش در این سال به ترتیب ۴/۲۸ و ۵۹ است، بنابراین ایران توانسته نمره خودش را به این کشور نزدیک سازد و اختلاف رتبه‌اش را از ۸ به ۳ برساند. در مقایسه با کشور عربستان نیز، ایران توانسته اختلاف رتبه‌اش را اندکی کمتر ساخته و از ۴۸ به ۴۵ برساند.

در گزارش مجمع جهانی اقتصاد، مؤلفه نهادها از ۲۱ زیر شاخص تشکیل شده است که عبارتند از: ۱- حقوق مالکیت ۲- حمایت از حقوق مالکیت فکری ۳- انحراف وجوه عمومی ۴- اعتماد به سیاستمداران دولتی ۵- رشوه و پرداخت‌های غیر قانونی ۶- استقلال قوه قضائیه ۷- طرفداری مقامات دولتی در تصمیمات ۸- ولخرجی مقامات دولتی ۹- بار مقررات دولتی ۱۰- کارایی چهارچوب قانونی در حل و فصل اختلافات ۱۱- کارایی چهارچوب قانونی در مقررات چالش برانگیز ۱۲- شفافیت سیاست‌های دولتی ۱۳- هزینه کسب و کار به‌واسطه تروریسم ۱۴- هزینه کسب و کار به‌واسطه جرم و خشونت ۱۵- جرایم سازمان یافته ۱۶- اعتماد به خدمات پلیس ۱۷- رفتار اخلاقی بنگاهها ۱۸- قدرت بازرسی و استانداردهای گزارش‌گیری ۱۹- نقش هیأت مدیره در تصمیم‌گیری ۲۰- حمایت از منافع سهامداران اقلیت ۲۱- توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران.

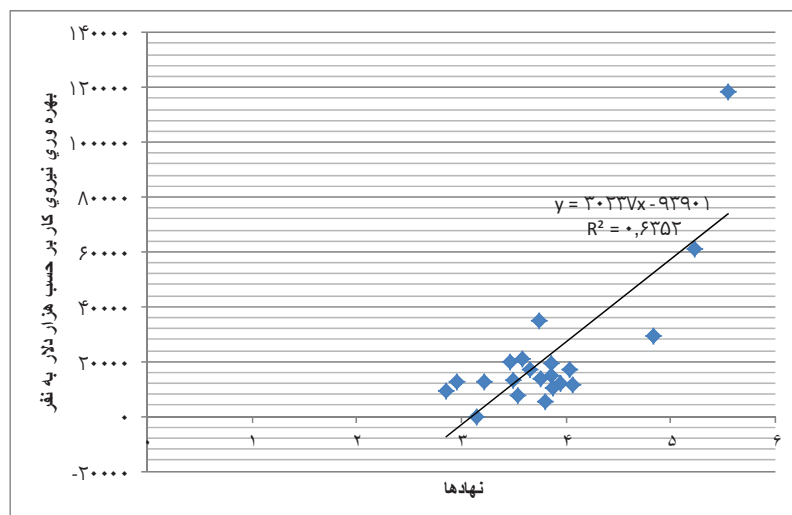
جدول ۳- رتبه و نمره ایران در زیرشاخص‌های مربوط به شاخص نهادها در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱

رتبه ایران شاخص ۲۰۱۱-۲۰۱۲	نمره زیر شاخص ۲۰۱۰-۲۰۱۱	رتبه ایران شاخص ۲۰۱۰-۲۰۱۱	نمره زیر شاخص ۲۰۱۰-۲۰۱۱	ردیف زیر شاخص مرتبط با سرمایه اجتماعی (نهادها)
۶۱	۴/۳	۷۰	۴/۴	۱- حقوق مالکیت
۱۱۱	۲/۰۶	۱۱۴	۲/۷	۲- حمایت از حقوق مالکیت فکری
۵۹	۳/۴	۶۲	۳/۶	۳- انحراف و جوجه عمومی
۳۹	۳/۷	۳۹	۳/۶	۴- اعتماد به سیاستمداران دولتی
۶۵	۴/۰	۶۹	۴/۰	۵- رشوه و پرداخت‌های غیر قانونی
۶۶	۳/۸	۶۵	۳/۸	۶- استقلال قوه قضاییه
۴۳	۳/۵	۴۸	۳/۵	۷- طرفداران مقامات دولتی در تصمیمات
۶۸	۳/۰	۸۵	۳/۲	۸- ولخرجی مقامات دولتی
۱۰۷	۲/۹	۹۹	۲/۸	۹- بار مقررات دولتی
۷۲	۳/۴	۷۹	۳/۶	۱۰- کارایی چهار چوب قانونی در حل و فصل اختلافات
۱۰۵	۲/۹	۱۱۲	۳/۰	۱۱- کارایی چهار چوب قانونی در مقررات چالش برانگیز
۱۲۵	۳/۶	۱۲۴	۳/۵	۱۲- شفافیت سیاست‌های دولتی
۱۰۹	۴/۸	۱۱۹	۴/۹	۱۳- هزینه کسب و کار به واسطه تروریسم
۹۰	۴/۲	۱۰۱	۴/۴	۱۴- هزینه کسب و کار به واسطه جرم و خشونت
۹۰	۴/۶	۱۰۲	۴/۸	۱۵- جرایم سازمان یافته
۶۰	۴/۶	۵۲	۴/۵	۱۶- اعتماد به خدمات پلیس
۸۴	۳/۷	۸۴	۳/۷	۱۷- رفتار اخلاقی بنگاه‌ها
۱۰۵	۴/۰	۱۰۷	۴/۱	۱۸- قدرت بازرسی و استانداردهای گزارش‌گیری
۱۰۳	۴/۲	۱۰۱	۴/۲	۱۹- نقش هیات مدیره در تصمیم‌گیری
۹۰	۳/۹	۹۸	۳/۹	۲۰- حمایت از منافع سهام داران اقلیت
۱۳۱	۳/۰	۱۲۷	۳/۰	۲۱- توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ ایران فقط در دو زیر شاخص اعتماد به سیاست‌مداران دولتی و طرفداری مقامات دولتی در تصمیمات دارای مزیت رقابتی می‌باشد. ترکیه نیز تنها در زیر شاخص توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران دارای مزیت است، درحالی‌که عربستان فقط در مورد هزینه کسب و کار بواسطه تروریسم دارای عدم مزیت است. در ضمن، قطر در تمام زیر شاخص‌های مربوط به شاخص نهادها دارای مزیت است، زیرا در این زیر شاخص‌ها دارای رتبه کمتر از ۵۰ می‌باشد. در سال ۲۰۱۱-۲۰۱۲ وضعیت رتبه ایران در ۱۵ زیر شاخص بهتر از قبل است ولی باز هم در همان دو زیر شاخص قبلی دارای مزیت است. ترکیه هم علاوه بر زیرشاخص قبلی‌اش، در زیرشاخص شفافیت سیاست‌های دولتی نیز دارای مزیت شده است. قطر نیز در دو زیرشاخص هزینه کسب و کار بواسطه تروریسم و توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران مربوط به شاخص نهادها در این سال دارای عدم مزیت شده است، اما عربستان در تمام زیر شاخص‌های نهادها دارای مزیت است.

در ادامه بحث، با محاسبه بهره‌وری نیروی کار کشورهای در مرحله گذر از ۱ به ۲ و مقایسه آن با شاخص نهادها در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۱ بررسی می‌کنیم که بین نهادها و بهره‌وری نیروی کار می‌تواند یک همبستگی مثبت برقرار باشد یا خیر^۱؟ بدین منظور، رابطه بهره‌وری و نهادها را به صورت نموداری نشان می‌دهیم. طبق نمودار زیر، رابطه بین آنها مستقیم و مثبت است و مشخص می‌شود که نهادها تأثیر مثبت بر بهره‌وری نیروی کار دارد.

۱. با توجه به عدم وجود آمارهای لازم برای محاسبه بهره‌وری نیروی کار در سال ۲۰۱۱، لذا امکان بررسی همبستگی بین بهره‌وری نیروی کار و نهادها بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۱ وجود ندارد.



نمودار ۱- رابطه بین نهادها و بهره‌وری نیروی کار

۶- تصریح مدل

هدف اصلی در این تحقیق، بررسی اثرات شاخص نهادها بر بهره‌وری نیروی کار در سال ۲۰۰۹ در کشورهای منتخب در حال توسعه می‌باشد. بنابراین بر اساس داده‌های مقطعی در برگیرنده ۷۴ کشور برای سال مذکور، مدل مورد برآزش قرار گرفته است. این کشورها شامل کشورهای مرحله یک، مرحله گذار از یک به دو و مرحله دومی‌باشند. گفتنی است که در کنار شاخص نهادها، برخی از متغیرهای کنترل مانند شاخص‌های سرمایه انسانی و فناوری که بر اساس ادبیات نظری بر بهره‌وری نیروی کار موثر هستند در الگو وارد می‌شود. یکی دیگر از شاخص‌هایی که بر بهره‌وری نیروی کار مؤثر است، نسبت سرمایه به نیروی کار (K/L) می‌باشد، ولی به دلیل آن‌که این متغیر با نهادها هم خطی دارد، از الگو حذف شده است. گفتنی است، متغیر نهادها عمدتاً از طریق تشویق سرمایه‌گذاری موجب تغییر سرمایه سرانه می‌شود. نتایج بررسی شدت هم‌خطی حاکی از آن است که وقتی متغیر نهادها و سرمایه به نیروی کار همراه با سرمایه انسانی هم‌زمان داخل الگو هستند، ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۸۳۵ می‌باشد و ضمناً متغیر نهادها معنا دار نیست. وقتی متغیر نهادها

از داخل الگو حذف شود ولی سرمایه به نیروی کار باشد، ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۸۳۷ و همچنین زمانی که متغیر سرمایه به نیروی کار حذف شود ولی نهادها باشد، ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۸ می باشد و از آنجا که ضریب تعیین تعدیل شده به شدت کاهش یافته، این موضوع نشان دهنده وجود هم خطی شدید در الگو بین متغیر نهادها و متغیر سرمایه به نیروی کار می باشد. بنابراین، به ناچار متغیر سرمایه به نیروی کار را از مدل حذف کرده ایم.

جهت تخمین الگو از روش داده های مقطعی^۱ استفاده شده است. با توجه به مبانی نظری و همچنین اهداف تحقیق حاضر، فرم عمومی تابعی زیر برای بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی (نهادها) بر بهره وری نیروی کار مورد استفاده قرار می گیرد:

$$Lp = f(INS, HC, MAC) \quad (1)$$

که در آن:

Lp = بهره وری نیروی کار است که از نسبت تولید ناخالص داخلی بر تعداد شاغلان پانزده ساله به بالا به دست می آید.

INS = شاخص کلی نهادها،

HC = شاخص سرمایه انسانی است که برای محاسبه آن از شاخص ترکیبی اریکام^۴ به صورت زیر استفاده شده است:

(نرخ ثبت نام تحصیلات در مرحله سوم) * ۳ + (نرخ ثبت نام تحصیلات در مرحله دوم) * ۲

$$HC = \frac{\quad}{5}$$

این شاخص با استفاده از روش شناسی مجمع جهانی اقتصاد در محدوده ۱ تا ۷ نرمالایز شده است.

۱. برآورد مدلها در محیط نرم افزار Eviews,6 انجام گرفته است.

2. Institution
3. Human Capital
4. Orbicam
5. Tertiary
6. Secondary education enrollment rate.

$MAC = 1$ شاخص کلی محیط اقتصاد کلان است.

با توجه به این که مبانی نظری، شکل رابطه بین نهادها و بهره وری نیروی کار را مشخص نکرده است، نتیجتاً مدل تحقیق حاضر از نوع تجربی است. برای تشخیص فرم تابعی مدل، فرم‌های تمام لگاریتمی، نیمه لگاریتمی (لگاریتم-خطی) و فرم خطی مورد برآورد و بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از برآورد این مدل‌ها در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. مدل‌های مختلف موجود جهت برآورد تابع بهره‌وری نیروی کار

نام مدل	فرم ریاضی مدل	ضریب تعیین تعدیل شده	معیار شوارتز	معیار اطلاعاتی آکاییکی	آزمون خطای تصریح رمزی آماره F
تمام لگاریتمی	$Ln(LP) = \alpha_0 + \alpha_1 Ln(IN) + \alpha_2 Ln(HC) + \alpha_3 Ln(MA)$	۰/۶۲	۱/۸۹	۱/۷۶	۱۳/۱۵
نیمه لگاریتمی	$Ln(LP) = \alpha_0 + \alpha_1 IN + \alpha_2 HC + \alpha_3 MAC$	۰/۶۴	۱/۸۵	۱/۷۳	۱/۸۸
مدل خطی	$LP = \alpha_0 + \alpha_1 IN + \alpha_2 HC + \alpha_3 MAC$	۰/۴۱	۲۲/۰۱	۲۱/۸۹	۱۸/۳۴

ضرایب کلیه مدل‌ها از لحاظ نظری مورد انتظار بوده و از نظر آماری معنی‌دار بوده‌اند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بر اساس ضابطه ضریب تعیین تعدیل شده، مدل نیمه لگاریتمی بر دیگر مدل‌ها برتری دارد. همچنین با توجه به معیارهای شوارتز و آکاییکی، مدل نیمه لگاریتمی بر دو مدل دیگر ارجحیت دارد. نتیجه آزمون تصریح خطای رمزی هم حاکی از آن است که مدل‌های تمام لگاریتمی و خطی، خطای تصریح دارند، ولی مدل نیمه لگاریتمی دارای خطای تصریح نیست، زیرا F محاسبه شده از F جدول کوچکتر است و فرضیه H مبنی بر عدم وجود خطای تصریح در مدل رد نمی‌شود. بنابراین، براساس نتایج جدول (۴)، مدل نیمه لگاریتمی به‌عنوان شکل مناسب الگو انتخاب گردید.

فرم قابل برآورد الگو به صورت زیر است:

$$\ln(Lp) = a_0 + a_1INS + a_2HC + a_3MAC + u_i \quad (2)$$

۷- نتایج تخمین الگو

نتایج حاصل از برآورد مدل نیمه لگاریتمی در جدول ۵ آمده است. مطابق با این جدول کلیه ضرایب در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار می باشند که به معنای اثر مثبت و معنی دار شاخص نهادها بر بهره وری نیروی کار است. در این الگو، مقایسه ضریب اهمیت متغیرها باید با احتیاط انجام شود، زیرا متغیرهای وارد نشده در مدل ممکن است بر متغیرهای ملحوظ شده در الگو تاثیر گذار باشند و این مسئله باعث می شود ضرایب تخمین زده شده اثر دقیق متغیرهای مستقل بر بهره وری نیروی کار را نشان ندهند.

جدول ۵- نتایج برآورد تابع بهره وری نیروی کار به روش داده های مقطعی

متغیرها	توضیح متغیر	ضرایب	آماره t	درصد احتمال
C	ضریب ثابت	۴/۸	۹/۳	۰
INS	شاخص کلی نهادها	۰/۳۴	۳/۰۵	۰/۰۰۳
HC	شاخص سرمایه انسانی	۰/۵۶	۸/۲	۰
MAC	شاخص محیط اقتصاد کلان	۰/۳۶	۳/۴	۰/۰۰۱
R^2	ضریب تعیین	۰/۶۵		
R^2	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۴		
(DW)	آماره دربین-واتسن	۲/۴		
F-Statistic	آماره F	۴۴/۴۹		

آزمون واریانس ناهمسانی به روش وایت با فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود واریانس ناهمسانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد انجام شد که نتیجه حاصله به صورت $nR^2=11/4$ می باشد و وقتی آن را با χ^2 درون جدول در سطح $0/01$ و درجه آزادی برابر ۹ مقایسه می کنیم، ملاحظه می کنیم که $0/01,9$ برابر $21/7$ می باشد و فرضیه H_0 رد نمی شود. نتایج آزمون در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶- نتایج آزمون واریانس ناهمسانی تابع بهره وری نیروی کار

F-Statistic	۱/۲۹۴۵۸۲	Prob.F(9,64)	۰/۲۵۷۴
nR2	۱۱/۳۹۶۹۲	Prob.chi-square(9)	۰/۲۴۹۵
Scaled explained	۱۲/۷۴۲۱۶	Prob.chi-square(9)	۰/۱۷۴۶

آزمون خود همبستگی نیز به روش بروش گادفری با فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود خود همبستگی انجام شد که در آن طبق نتایج موجود در جدول زیر $۴/۹۷ - ۲ nR$ می باشد و ۲ و $۰/۰۱$ در جدول برابر $۹/۲۱$ می باشد بنابراین فرضیه H_0 رد نمی شود. نتایج آزمون در جدول ۷ قابل ملاحظه است.

جدول ۷- نتایج آزمون خود همبستگی تابع بهره‌وری نیروی کار

F-Statistic	۲/۴۵	Prob.F(2,68)	۰/۰۹۲
nR2	۴/۹۷	Prob.chi-square(2)	۰/۰۸

نتایج ارائه شده در جدول ۵ برای شکل نیمه لگاریتمی تابع بهره‌وری نیروی کار نشان می‌دهد با فرض ثابت بودن سایر عوامل، یک واحد افزایش در شاخص نهادها، بهره‌وری نیروی کار را به میزان ۳۴ درصد افزایش می‌دهد و این نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار نهادها بر بهره‌وری نیروی کار است و بنابراین فرضیه اول تحقیق مبنی بر تاثیر نهادها بر بهره‌وری نیروی کار تایید می‌شود. همچنین در این الگو، ضریب شاخص سرمایه انسانی $۰/۵۶$ است، یعنی با افزایش یک واحد در شاخص سرمایه انسانی، بهره‌وری نیروی کار به میزان ۵۶ درصد افزایش می‌یابد. در نهایت، با یک واحد افزایش در شاخص محیط اقتصاد کلان، بهره‌وری نیروی کار به میزان ۳۶ درصد افزایش می‌یابد. ضمناً در این مدل، قدرت تشریح تعدیل شده حدوداً ۶۴ درصد است. بعبارت دیگر، شاخص‌های سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و محیط اقتصاد کلان حدود ۶۴ درصد تفاوت در بهره‌وری نیروی کار کشورها را توضیح می‌دهند و بقیه آن تحت تأثیر سایر متغیرهای وارد نشده در مدل است. نتیجه کلی این است که هر یک از شاخص‌های سرمایه انسانی و اجتماعی بر بهره‌وری نیروی

کار تأثیر مثبت دارند و در بین آنها بیشترین تأثیر را شاخص سرمایه انسانی دارد. گفتنی است، شاخص نوآوری نیز در این مدل مورد بررسی قرار گرفت ولی ضریب آن معنادار نبود. بر اساس دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد، نیازهای پایه برای کشورهای در حال توسعه تأثیر بیشتری بر بهره‌وری دارد و نتایج بدست آمده در اینجا نیز مطابق با همین دیدگاه است، زیرا شاخص‌های سرمایه انسانی و نهادها که جزء نیازهای پایه هستند تأثیر زیادی بر بهره‌وری دارند.

۸- جمع بندی و نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده بیانگر آن است که شاخص‌های نهادها، محیط اقتصاد کلان و سرمایه انسانی اثر مثبت و معناداری بر بهره‌وری نیروی کار دارند، ولی از بین متغیرهای مذکور، شاخص سرمایه انسانی و سپس محیط اقتصاد کلان تأثیر بیشتری نسبت به شاخص نهادها بر بهره‌وری دارند و این نتیجه حاصله با دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد که معتقد است نیازهای پایه برای کشورهای در حال توسعه تأثیر بیشتری بر بهره‌وری دارد، کاملاً منطبق است. بنابراین به منظور دستیابی به جایگاه اول اقتصادی از منظر بهره‌وری، پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

- ۱- ضرورت دارد که دولت در ایجاد و افزایش اعتماد بین خود و مردم اهتمام لازم را داشته باشد، زیرا این اعتماد حاصله از سویی سبب خواهد شد که اثربخشی سیاست‌های دولت بیشتر شود و از سوی دیگر هزینه های مبادلات کاهش یافته و مبادلات در مقیاس وسیعتر و سریعتر انجام شود.
- ۲- دولت باید حمایت لازم را از سرمایه‌گذاران داشته باشد تا با افزایش سطح سرمایه گذاری در کشور، سطح درآمد ملی و بهره‌وری نیروی کار افزایش یابد.
- ۳- دولت باید از طریق بهبود محیط اقتصاد کلان، ریسک‌های ناشی از سرمایه‌گذاری را کاهش دهد تا سرمایه‌گذاران مولد تشویق شود.
- ۴- دولت باید به امر آموزش و بالا بردن سطح کیفیت آن توجه بیشتری مبذول بنماید، زیرا شرط لازم برای نوآوری و ارتقای سطح فناوری، داشتن سرمایه انسانی کافی در اقتصاد

است. در این ارتباط پیشنهاد می‌شود نرخ پوشش تحصیلی در مقاطع راهنمایی، متوسطه و دانشگاه (آموزش عالی) گسترش یابد.

در خاتمه پیشنهاد می‌شود به منظور روشن شدن راهکارهای ارتقای بهره‌وری با رویکرد نهادی مطالعات زیر انجام شود:

- ۱- بررسی تجارب کشورهای موفق در زمینه اصلاح کارکرد نهادها و ارتقای سرمایه اجتماعی
- ۲- شناسایی راهکارهای عملیاتی ارتقای جایگاه ایران از منظر شاخص نهادها در منطقه حوزه سند چشم انداز.

منابع

- امینی، علیرضا، (۱۳۸۸) " تدوین گزارش عملکرد بهره وری اقتصاد ایران در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ " کارفرما مرکز ملی بهره وری ایران، مجری مرکز تحقیقات اقتصاد دانشکده اقتصاد و حسابداری- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- امینی ، علیرضا ، فرهادی کیا ، علیرضا (۱۳۸۸) ، " تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی ، فضای رقابتی و بهره وری "
- جانستون، ج.، دیناردو، ج.، (۱۳۸۸)، " روش های اقتصادسنجی "، ترجمه: فریدون اهرابی و علی اکبر خسروی نژاد، انتشارات نورعلم.
- جعفری صمیمی، احمد، اختیاری، شهرام (۱۳۸۸)، " تأثیر امنیت اقتصادی بر فرآیند رشد اقتصادی در کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با تأکید بر ایران فصلنامه علوم اقتصادی " فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی دانشکده اقتصاد و حسابداری، شماره ۳، تابستان
- راثو و میلر، (۱۳۷۰)، " اقتصادسنجی کاربردی "، ترجمه حمید ابریشمی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، تهران.
- رومر، دیوید، (۱۳۸۸) " اقتصاد کلان پیشرفته "، ترجمه: مهدی تقوی، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- کشاورز قهرمانلو، اعظم، (۱۳۸۸). " تحلیل و اندازه گیری شاخص رقابت پذیری اقتصاد ایران در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸ "، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، پایان نامه کارشناسی ارشد
- مشتاق حسین خان، (۲۰۰۸)، " حکمرانی خوب و سیاستهای مبارزه با فساد در کشورهای در حال توسعه " ترجمه نجف پور و حق شناس، گروه نظارت و بررسی، ارسال شده در سال ۱۳۸۸
- مکرری، فرانک . (۱۳۸۹) . "تأثیر مولفه های اقتصادی سرمایه اجتماعی بر بهره وری کل عوامل "، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز ، پایان نامه کارشناسی ارشد
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵) . "تبیین افول سرمایه اجتماعی در ایران "، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، زمستان

- Online (Ilo) International Labor Organization, Total employment.
- Online (WDI) World Bank Collection of development indicators, Gdp(ppp)constant 2005
- Ahlervp.Pelle& Olsson. Ola & Yanagizawa. David. (2009) ، “ Social capital & institutions in groth process “ . European journal of political economy.
- Tanzi, Vito & Davoodi, Hamid, (1977), Corruption, Public Investment, and Growth, INTERNATIONAL MONETARY FUND, Fiscal Affairs Department.
- Schwab, Klaus, (2011). “The Global Competitiveness Report” The Report Of World Economic Forume.
- Doing business in a more transparent “Economy profile: Iran ,Islamic Rep”, (2012), The world Bank.
- Turner, Karl, (2011). “The Important of Good Governance in Achieving Economic Growth for Developing Nations”: An Analysis of Sub-Saharan Africa, Bryant Economic Research Paper Vol.4.No.4 , Spring
- Dellepiane Avellaneda, Sepastian, (2006). “Good Governance, Institutions and Economic Development”: Beyond the Conventional Wisdom, Paper to be presented at the Forum de Recerca, Departament de Ciències Politiques i, Socials, Universitat Pompeu Fabra, Barcelona
- 3 de Mayo